

سر مقاله

برون رفت از مشکلات با رویکرد تخصصی

ادامه از صفحه یک
متخصصینی که در دانشگاه‌ها، دستگاه‌های اجرایی و عرصه سیاست تجربه‌اندوزی کرده‌اند، می‌توانند با تحلیل‌های مبتنی بر داده و تجربه، راهکارهایی طراحی کنند که هم کارآمد و هم مقاوم در برابر فشارهای خارجی باشند. حضور این گروه‌ها موجب می‌شود تاراهکارها فنی، قابل اجرا و مبتنی بر اولویت‌های منافع ملی باشند. دست‌کم‌سازی آسیب‌پذیری در برابر عملیات اطلاعاتی و اقتصادی دشمن انجام گیرد. دیپلماسی کشور بر پایه منافع ملی و تحلیل واقعی از توازن قوا شکل گیرد.

برای بهره‌گیری واقعی از ظرفیت این افراد، لازم است سازوکارهای مشخص، شفاف و مستقل تعریف‌شود.

۱. شورای کارشناسی (موقت و شفاف)
تشکیل یک شورای فنی، تحلیلی مرکب از استادان دانشگاه، مدیران با سابقه، دیپلمات‌ها و کارشناسان اقتصاد و امنیت. اعضا بر اساس معیارهای شایستگی و بی‌طرفی انتخاب شوند و نتیجه‌گیری‌هایشان عمومی و دارای شرح روش‌شناسی باشد.

۲. پروژه‌های راهبردی با ضرب‌الاجل و شفافیت، تعریف پروژه‌های مشخص (مثلاً: مدیریت بحران انرژی، مقوام‌سازی زنجیره تأمین، امنیت سایبری نهادهای حیاتی، استراتژی رسانه‌ای ملی) با تیم‌های میان‌بخشی و گزارش‌های دوره‌ای.

۳. کاتال تصمیم‌سازی مستقل و توصیه‌گر، خروجی‌های کارشناسی باید به‌صورت توصیه‌نامه‌های عملیاتی به نهادهای ذریط ارسال و مکاتبه‌سی برای بررسی و پاسخ رسمی به آن‌ها تعبیه‌شود.

۴. حفاظت از فضا در برابر تسلط جناحی، مکانیزمی که از ریوده شدن این سازوکار توسط منافع حزبی جلوگیری کند؛ شفافیت در انتخاب اعضا، اعلام تضاد منافع و انتشار عمومی گزارش‌ها کمک‌کننده‌است.

۵. بهره‌گیری از خرد جمعی و گفت‌وگوی منافع ملی، ایجاد جلسات علنی و تخصصی با حضور نمایندگان اجتماعی و رسانه‌ها برای افزایش مقبولیت اجتماعی و کاهش شایعه‌پراکنی دشمن.

متأسفانه عده‌ای درون فضای سیاسی و اداری، منافع حزبی و جناحی را مقدم بر منافع ملی قرار می‌دهند؛ این رویه در زمانه‌ای که دشمنان خارجی منابع زیادی برای نفوذ و تفرقه‌افکنی صرف کرده‌اند، خطرآفرین‌تر است. لازم است مسیرها و خروجی‌هایی که به صدمه‌زدن به منافع ملی می‌انجامند، به‌کل کنار گذاشته‌شوند و به جای آن‌ها راهکارهای کُش‌پذیر و مبتنی بر شواهد به کار گرفته‌شود.

در نهایت، تنها راه عبور از پیچیدگی‌های داخلی و خنثی‌سازی تهدیدات خارجی، ترکیب دو عنصر است: تعهد به منافع ملی و کاربست تخصص علمی. دعوت از متخصصین متخصصین دلسوز نباید یک شعار باشد؛ باید به یک سازوکار عملی، شفاف و پایا تبدیل‌شود که بتواند توصیه‌های علمی را به سیاست‌گذاری و اقدام ملموس تبدیل کند.

ایجاد این پستر نه فقط یک ضرورت تخصصی، بلکه یک اقدام امنیتی و ملی است؛ وقتی خردمندان و دلسوزان از دانشگاه تا دیپلماسی و اجرا کنار هم قرار گیرند، توان کشور برای مقاومت در برابر فشارهای خارجی و حل مسائل داخلی به‌طریز چشمگیر افزایش می‌یابد. امروز زمان عملی جمعی، مسئولانه و علمی است، متعهدین و متخصصین دلسوز، پای کار بایند تا این کشور را از موج‌های سخت عبور کند.

خبر

بررسی طرح رایگان شدن پیش‌دبستانی در کمیسیون آموزش



نایب رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس از بررسی طرح ارتقای کیفیت نظام تعلیم و تربیت در این کمیسیون خبر داد که به موجب این طرح، سن ورود به آموزش رسمی از پنج سالگی تعیین شده و تدریس در دوره پیش‌دبستانی به صورت رایگان خواهد بود. فرشاد ابراهیم‌پور در گفت‌وگو با ایسنا، اظهار کرد: طرح «ارتقای کیفیت نظام تعلیم و تربیت» در دستور کمیسیون آموزش و تحقیقات است که تا ماهه ۱۱ آن تصویب شده‌است.

وی توضیح داد: طبق یکی از مواد این طرح، سن ورود به آموزش از پنج سالگی تعیین شده و طول دوره تحصیل نیز همان ۱۲ سال باقی می‌ماند؛ با این طرح، کودکان از پنج سالگی وارد مدرسه می‌شوند و تا شش سالگی صرف آموزش‌های پیش‌دبستانی می‌شود.

نایب رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس توضیح داد: با این طرح، وضعیت فعلی پیش‌دبستانی‌ها که عمدتاً غیردولتی بوده و پوشش محدودی در سطح کشور دارند، تغییر می‌کند و تدریس در پیش‌دبستانی رایگان و در مدارس دولتی خواهد بود.

وی در پایان گفت: در صورت تصویب نهایی و قانونی شدن این طرح، زمینه پوشش کامل آموزش پیش‌دبستانی برای همه کودکان در کشور و به صورت دولتی فراهم می‌شود.

جابه جایی پایتخت از تهران به شهر دیگر امکان پذیر است؟

سنگ بزرگ انتقال پایتخت

گروه سیاسی- پس از انتقال پایتخت به تهران، این شهر شروع به توسعه و گسترش کرد. در دوران قاجاریه، به ویژه در دوران ناصرالدین شاه، بسیاری از پروژه‌های عمرانی و ساختمانی در تهران آغاز شد. از جمله ساخت کاخ‌ها، بناهای دولتی، و خیابان‌های جدید. همچنین در این دوره، برخی از نخستین نهادهای دولتی و وزارتخانه‌ها در تهران تأسیس شدند.



البته انتقال پایتخت موافقان و مخالفان زیادی دارد، از جمله حسین آخانی،استاد دانشگاه تهران. او می‌گوید: من شهرساز نیستم، سیاستمدار هم نیستم. دغدغه من محیط زیست طبیعی من انسانی است. بگذارد نه به عنوان متخصص، بلکه به عنوان یک شهروندی که در کارنامه اش سفر و زندگی به کشورهای زیادی از جهان وجود دارد دلایل مخالفت و پیشنهادات خود را بیان کنم. بدون آنکه شما را با فهرستی از استدلال‌های عقلی و علمی درگیر کنم به زبان ساده این واقعیت را بگویم که حداقل در نیم قرن گذشته که ما با اوج‌گیری مدرنیته و توسعه تصادعی شهرنشینی و شهرسازی مواجه بودم حتی یک شهر قابل سکونت‌نساخته‌ایم.

او با بیان اینکه بسیاری از شهرهای تاریخی کشور (مانند شیراز و اصفهان و ری) که سابقه پایتختی ایران را داشته‌اند هم به فلاکت انداخته‌ایم، ادامه می‌دهد: برای رهایی از گردآب تهران می‌همه می‌دانیم با کوچک‌ترین تکانی ممکن است از صدها تا میلیون‌ها نفر قربانی شوند، راه‌حلی‌هایی وجود دارد، مثلاً به جای تغییر پایتخت ساختار سیاسی کشور را تقسیم کنیم. مدل‌های شناخته شده آن هم در آلمان، هم در آمریکا

و هم در همسایگی ما در کشور امارات دیده می‌شود. ایران کشور پهناوری با تنوع قومی بالایی است. اداره فدرالی کمک می کند که وابستگی به یک شهر حداقل برسد. اتفاقاً این اقدام برای مقابله با تفکرات تجزیه‌طلبی و تخریب محیط زیست لازم و کاراست. سپردن امور به مردم بومی آنجا بار سنگین اداره کشور با سبک می‌کند. دولت مرکزی می‌تواند بر امور کلان، سیاست خارجی و دفاعی متمرکز شود. ایجاد مناطق نمونه زندگی سالم در هر استان کشور هم می‌تواند شروع خوبی باشد.

انتقال پایتخت از تهران یک شوخی است

سعید معیدفر، جامعه‌شناس، در خصوص طرح انتقال پایتخت به جنوب کشور در گفت و گو با فرارو گفت: «تصویر روزی که پایتخت منتقل شود، تصویری سرشار از اوهام است. اساساً این طرح از پایه نادرست است. ممکن است منطقه‌ای در جنوب کشور پتانسیل‌هایی داشته باشد، اما انتقال پایتخت چیزی جز یک توهم نیست و نه‌تنها مشکلی را حل نمی‌کند، بلکه مشکلات همان منطقه را نیز تشدید خواهد کرد».

سعید معیدفر به فرارو گفت: «طرح انتقال پایتخت از تهران به یکی از شهرهای جنوبی کشور چیزی جز یک شوخی نیست و نباید آن را جدی گرفت. هر دولتی که بر سر کار آمده، این موضوع را مطرح کرده، اما هیچ‌گاه به نتیجه نرسیده است. در دوره آقای روحانی نیز این بحث مطرح شد و حتی جلسات و برنامه‌هایی برای آن گذاشتند، اما سرانجامی نداشت.»

به گفته او: «اما زمانی که با مشکلی روبه‌رو می‌شویم، به جای آنکه بتوانیم در جزئیات آن مشکل را بفهمیم و راهکاری متناسب پیدا کنیم، معمولاً چون توانایی حل آن را نداریم، به فرافکنی روی می‌آوریم. یعنی مسأله را در افتی بلندتر و دست‌نیافتنی‌تر می‌بریم. اکنون نیز دولت با مشکلات، ناترازی و گرفتاری‌های مختلفی مواجه است؛ مسائلی که محصول سال‌ها

ضعف مدیریتی و سیاست‌گذاری است و امروز شدت بیشتری یافته است.»

این جامعه‌شناس گفت: «در چنین شرایطی، با طرح جابه‌جایی پایتخت تنها می‌خواهند آدرس غلط‌دهند، در حالی که مشکل جای دیگری است. هر اقدامی غیر از انتقال پایتخت هم نیازمند یک استراتژی بلندمدت، مطالعه دقیق و برنامه‌ریزی همه‌جانبه است. نمی‌توان شب بخوابیم و صبح تصمیم بگیریم پایتخت را تغییر دهیم. چنین اقداماتی تنها نشان‌دهنده فقدان درایت و ناکارآمدی بیشتر است.»

او تصریح کرد: «به بیان ساده، «سنگ بزرگ علامت زدن است». طرح چنین موضوعی تنها برای برداشتن فشار از دوش دولت است، اما در عمل شدنی نیست و مشکل همچنان به قوت خود باقی خواهد ماند.» معیدفر گفت: «این اقدام در کشورهای دیگر نیز تجربه شده است. در همسایه‌های ما، نه در همین سال‌ها، بلکه چند دهه پیش در ترکیه، انتقال پایتخت صورت گرفت. در پاکستان نیز به همین شکل، با این حال، مشکلات آن‌ها حل نشد. همچنان تمرکز اصلی ترکیه در استانبول است و آنکارا در سطح دوم قرار دارد. در پاکستان نیز پایتخت قبلی هنوز بزرگ‌ترین شهر است و همه امکانات و تمرکزها در آنجا جمع شده‌است.»

او اشاره کرد: «اینکه فکر کنید با انتقال پایتخت مشکلات حل می‌شود، در حالی که می‌دانید چنین استراتژی‌ای شکست خورده است، نشان‌دهنده ناآشنایی با تاریخ، عدم شناخت منطقه و ناتوانی در ارزیابی درست تبعات چنین اقدامی است. در نهایت، این اقدام تنها بهانه‌ای می‌شود برای توجیه ناکارآمدی در حوزه‌های دیگر. مردم بعید است چنین منطقه‌ی را بپذیرند.»

این جامعه‌شناس گفت: «در کتاب «جامعه‌شناس مهاجرت: چالش‌های توسعه روستایی» اشاره کرده‌ام که سیاست‌گذاران در دوره مدرن، به‌ویژه از دهه ۴۰ به بعد، اساساً بر انباشت جمعیت در کلان‌شهرها تأکید داشته‌اند و تمام سیاست‌گذاری‌ها در همین

مسیر پیش رفته است و توصیه می‌کنم سیاستگذاران حتماً آن را بخواوند. بنابراین هر کجا نگاه کنیم می‌بینیم

اوج مهاجرت‌ها به سمت کلان‌شهرها بوده است. این سیاستی است که بیش از ۷۰ سال دنبال شده و نتیجه آن انباشت جمعیت در کلان‌شهرهایی مانند تهران است؛ مسأله‌ای که با انتقال پایتخت قابل حل نیست.»

او افزود: «برای حل چنین مشکلاتی باید از جنبه‌های کوچک‌تر شروع کرد. هر زمان تلاش کردیم یک مسأله را از سطح بزرگ و کلی حل کنیم، نه تنها موفق نشده‌ایم بلکه همان مسأله پیچیده‌تر شده است. بنابراین باید از نقاط قابل مداخله و کوچک‌تر آغاز کنیم تا بتوانیم امیدوار باشیم که مرحله به مرحله به سمت مسائل سخت‌تر حرکت کنیم. اگر امروز مشکلاتی در این است که ناترازی موجود در کلان‌شهرها را حل کنیم، باید به همه مناطق ایران نگاه کنیم و ببینیم کانون‌های جمعیتی ما کجا هستند و سپس بر همان کانون‌های جمعیتی مدیریت اعمال کنیم.»

معیدفر گفت: «ایران به دلیل شرایط اقلیمی و پرآلودگی جمعیت، نیازمند سیاستی متناسب با جغرافیای سرزمینی است. اگر بخواهیم چنین سیاستی را پیاده کنیم، باید در میان این پرآلودگی و فرصت‌های شهری فراهم کنیم. به این ترتیب، روستاهای ما باید محل کار باشند نه محل زندگی.» او افزود: «فرض کنید در نزدیکی روستاها، کانون‌های ایجاد شده که مردم بتوانند همان‌جا زندگی کنند و به مدرسه، خدمات بهداشتی، سینما، امکانات فرهنگی و سایر خدمات دسترسی داشته باشند و تنها برای کار به روستاهایشان سر بزنند. متأسفانه با سیاست‌های نادرست، در حال تخلیه روستاها هستیم و جمعیت به سمت کلان‌شهرها سرازیر می‌شود. از سوی دیگر، آب را پشت سدها ذخیره می‌کنیم و بخش



عظیمی از آن تبخیر می‌شود تا به کلان‌شهرها برسد.» امکان زیست در ایران پرآکنده است؛ مگران امکان تبدیل شدن به پایتخت با همه ابعادش را ندارد؛ هیچ سیاست سرزمینی جامع و واقعی وجود ندارد

این جامعه شناس ادامه داد: «امکان زیست در ایران پرآکنده است و منابع آبی نیز پرآکنده‌اند، بنابراین سیاست‌های کنونی کارآمد نیستند. حتی اگر آب خلیج فارس را شیرین‌سازی کنید و به مناطق دیگر منتقل کنید، مشکل به این شکل حل نخواهد شد.» او گفت: «اگر همه جمعیت را به شهری مانند مکران منتقل کنید، باید بدانید که هرچند مکران پتانسیل‌هایی دارد، اما امکان تبدیل شدن به پایتخت با همه ابعادش را ندارد. در اینجا نیاز به یک سیاست سرزمینی جامع وجود دارد که برای کل کشور برنامه‌ریزی شده باشد، نه اینکه تنها پایتخت را جابه‌جا کنیم. در واقع، در طرح انتقال پایتخت ایران، همه چیز به پایتخت تقلیل داده شده و هیچ سیاست و نظریه سرزمینی جامع و واقعی وجود ندارد.»

معیدفر گفت: «تصور کنید در همین تهران هر روز بزرگراه جدیدی ساخته می‌شود تا مشکل ترافیک حل شود؛ آیا واقعاً حل شده است؟ انتقال پایتخت هم به همین شکل است. مسأله حل نخواهد شد، چون نگاه کوتاه‌مدت است و گره از یک نقطه به نقطه‌ای دیگر، یا حتی به ۱۰ نقطه دیگر منتقل می‌شود. سیاست در این کشور بیشتر شبیه یک مدیریت «بیت و منی» است؛ به جای آنکه با نگاهی استراتژیک و جامع به دنبال سازندگی باشد، تنها همان لحظه و همان زاویه خاص را می‌بیند.»

او افزود: «این همان چیزی است که متأسفانه فاجعه می‌آفریند و ما هم‌اکنون در میانه همان فاجعه هستیم. دلیل آن هم روشن است: ما استراتژی بلندمدت و نظریه‌ای سرزمینی نداریم و در بحران‌ها و ناترازی‌ها گرفتار شده‌ایم. بنابراین طرح انتقال پایتخت هرگز عملی نخواهد شد و صرفاً جنبه تبلیغاتی دارد.»

مسیر پیش رفته است و توصیه می‌کنم سیاستگذاران حتماً آن را بخواوند. بنابراین هر کجا نگاه کنیم می‌بینیم

اوج مهاجرت‌ها به سمت کلان‌شهرها بوده است. این سیاستی است که بیش از ۷۰ سال دنبال شده و نتیجه آن انباشت جمعیت در کلان‌شهرهایی مانند تهران است؛ مسأله‌ای که با انتقال پایتخت قابل حل نیست.»

او افزود: «برای حل چنین مشکلاتی باید از جنبه‌های کوچک‌تر شروع کرد. هر زمان تلاش کردیم یک مسأله را از سطح بزرگ و کلی حل کنیم، نه تنها موفق نشده‌ایم بلکه همان مسأله پیچیده‌تر شده است. بنابراین باید از نقاط قابل مداخله و کوچک‌تر آغاز کنیم تا بتوانیم امیدوار باشیم که مرحله به مرحله به سمت مسائل سخت‌تر حرکت کنیم. اگر امروز مشکلاتی در این است که ناترازی موجود در کلان‌شهرها را حل کنیم، باید به همه مناطق ایران نگاه کنیم و ببینیم کانون‌های جمعیتی ما کجا هستند و سپس بر همان کانون‌های جمعیتی مدیریت اعمال کنیم.»

او تصریح کرد: «به بیان ساده، «سنگ بزرگ علامت زدن است». طرح چنین موضوعی تنها برای برداشتن فشار از دوش دولت است، اما در عمل شدنی نیست و مشکل همچنان به قوت خود باقی خواهد ماند.» معیدفر گفت: «این اقدام در کشورهای دیگر نیز تجربه شده است، اما هیچ‌گاه به نتیجه نرسیده است. در دوره آقای روحانی نیز این بحث مطرح شد و حتی جلسات و برنامه‌هایی برای آن گذاشتند، اما سرانجامی نداشت.»

به گفته او: «اما زمانی که با مشکلی روبه‌رو می‌شویم، به جای آنکه بتوانیم در جزئیات آن مشکل را بفهمیم و راهکاری متناسب پیدا کنیم، معمولاً چون توانایی حل آن را نداریم، به فرافکنی روی می‌آوریم. یعنی مسأله را در افتی بلندتر و دست‌نیافتنی‌تر می‌بریم. اکنون نیز دولت با مشکلات، ناترازی و گرفتاری‌های مختلفی مواجه است؛ مسائلی که محصول سال‌ها

ضعف مدیریتی و سیاست‌گذاری است و امروز شدت بیشتری یافته است.»
این جامعه‌شناس گفت: «در چنین شرایطی، با طرح جابه‌جایی پایتخت تنها می‌خواهند آدرس غلط‌دهند، در حالی که مشکل جای دیگری است. هر اقدامی غیر از انتقال پایتخت هم نیازمند یک استراتژی بلندمدت، مطالعه دقیق و برنامه‌ریزی همه‌جانبه است. نمی‌توان شب بخوابیم و صبح تصمیم بگیریم پایتخت را تغییر دهیم. چنین اقداماتی تنها نشان‌دهنده فقدان درایت و ناکارآمدی بیشتر است.»

او تصریح کرد: «به بیان ساده، «سنگ بزرگ علامت زدن است». طرح چنین موضوعی تنها برای برداشتن فشار از دوش دولت است، اما در عمل شدنی نیست و مشکل همچنان به قوت خود باقی خواهد ماند.» معیدفر گفت: «این اقدام در کشورهای دیگر نیز تجربه شده است، اما هیچ‌گاه به نتیجه نرسیده است. در دوره آقای روحانی نیز این بحث مطرح شد و حتی جلسات و برنامه‌هایی برای آن گذاشتند، اما سرانجامی نداشت.»

او تصریح کرد: «به بیان ساده، «سنگ بزرگ علامت زدن است». طرح چنین موضوعی تنها برای برداشتن فشار از دوش دولت است، اما در عمل شدنی نیست و مشکل همچنان به قوت خود باقی خواهد ماند.» معیدفر گفت: «این اقدام در کشورهای دیگر نیز تجربه شده است، اما هیچ‌گاه به نتیجه نرسیده است. در دوره آقای روحانی نیز این بحث مطرح شد و حتی جلسات و برنامه‌هایی برای آن گذاشتند، اما سرانجامی نداشت.»

او تصریح کرد: «به بیان ساده، «سنگ بزرگ علامت زدن است». طرح چنین موضوعی تنها برای برداشتن فشار از دوش دولت است، اما در عمل شدنی نیست و مشکل همچنان به قوت خود باقی خواهد ماند.» معیدفر گفت: «این اقدام در کشورهای دیگر نیز تجربه شده است، اما هیچ‌گاه به نتیجه نرسیده است. در دوره آقای روحانی نیز این بحث مطرح شد و حتی جلسات و برنامه‌هایی برای آن گذاشتند، اما سرانجامی نداشت.»

سیاست روز

اخبار

وزیر دفاع:

مرتب از احتمال حمله می‌گویند تا جنگ روانی ایجاد کنند

وزیر دفاع ایران در واکنش به انتقال تجهیزات نظامی آمریکا در منطقه و گمانه‌زنی رسانه‌ای در زمینه وقوع احتمالی جنگ، تصریح کرد: مرتب می‌گویند حمله خواهد شد تا جامعه دچار معضل شود، تورم افزایش یابد و ثبات اقتصادی از بین برود اما مردم حواسشان به این جنگ شناختی باشد؛ اگر جنگی تحمیل شود، وظیفه ما نظامی‌هاست دفاع کنیم و برایش آمادگی کامل داریم.

به گزارش ایسنا، امیر عزیز نصیرزاده در گفت‌وگویی تلویزیونی در پاسخ به پرسشی درباره انتقال تجهیزات نظامی از طرف آمریکا به منطقه و دیدگاه وی در این زمینه، اظهار کرد: کارهایی که در ترابری انجام می‌دهند، ناو می‌آورند و می‌برند، نخستین‌بار نیست. در طول است دهه‌ده گذشته، به‌طور مرتب دیده‌ایم. مسلم است به‌عنوان بخش نظامی باید آماده دفاع از کشور باشیم. این یک اصل است و ارتباطی به نقل و انتقالات نظامی ندارد.

وزیر دفاع با تأکید بر اینکه اکنون کاملاً آماده هستیم، ادامه داد: به‌عنوان بخش نظامی باید آماده باشیم. اما سایر بخش‌های کشور نباید تحت تأثیر عملیات روانی این نقل و انتقالات نظامی قرار بگیرند. ما باید زندگی خودمان را ادامه بدهیم و امور اقتصادی و اجتماعی رو به توسعه داریم. جنگ کنونی هوشمند و ترکیبی از جنگ سخت و نرم است. این روزها بخش نرم این جنگ پررنگ‌تر شده که جنگ شناختی است.

امیر نصیرزاده تصریح کرد: اینکه مرتب می‌گویند حمله خواهد شد، حمله خواهد شد، می‌خواهند جامعه را دچار معضل کنند و تورم را افزایش بدهند و ثبات اقتصادی را به‌هم بزنند. این بخشی از همان جنگ است. مردم حواسشان به این جنگ شناختی باشد. اگر هم جنگی به ما تحمیل شود، وظیفه ما نظامی‌هاست که دفاع کنیم و برایش آمادگی داریم. همان‌طور که در جنگ ۱۲ روزه دشمن را وادار به پذیرش آتش‌بس کردیم؛ اینطور نبود که دلشان به حال ما بسوزد، ما وادارشان کردیم!

جعفرزاده ایمن‌آبادی مطرح کرد بزرگان کشور تندروها را سر جای خود بنشانند

نماینده ادوار مجلس شورای اسلامی تأکید کرد: متأسفانه هیچ منطقی بر نگاه عده‌ای حاکم نیست. تحریم ها را نعمت دانسته و مکاتبیس ماشه را غنیمت بر می شمارند. غلامعلی جعفرزاده ایمن آبادی در گفت‌وگو با ایسنا، با اشاره به مهم‌ترین چالش های پیش روی ثبات اتحاد ملی، بیان کرد: واقعیت این است تا زمانی که یکسری تفکرات بسیار تند که اصلا مشخص نیست برای چه در کشور ایجاد شد، وجود دارد موضوع اتحاد ملی همواره دچار چالش خواهد شد. عده ای در داخل کشور حضور دارند که به نوعی اتحاد مردم را خسارت برای خود تلقی می کنند. تا زمانی که این تفکرات در کشور وجود دارد ما هیچ گاه به نتیجه نخواهم رسید.

بزرگان کشور تندروها را سر جای خود بنشانند
ویمعتقد است: عمداً این نگاه های تندرو در نهایت به منافع مادی ختم می شود و برخی ها از این اختلاف نفع می برند. حال این نفع می تواند به شکل مستقیم یا به شکل غیرمستقیم باشد. متأسفانه امروز کشور درگیر تندروی هایی است که به شدت به کشور آسیب می رساند. واقعیت این است که باید بزرگان کشور این تندروها را سرجای خود بنشانند.

متأسفانه همواره به دنبال یک قهرمان می گردیم

نماینده ادوار مجلس شورای اسلامی، تصریح کرد:متأسفانه هیچ منطقی بر نگاه عده ای حاکم نیست. تحریم ها را نعمت دانسته و مکانیسیم ماشه را غنیمت بر می شمارند. گویی در فضای دیگری زندگی می کنند. این تفکرات بسیار مخرب است. متأسفانه ما همواره دنبال یک قهرمان می گردیم. هیچ گاه به این فکر نمی کنیم که باید از درون خود را تقویت کرده و احزابی داشته باشیم که امورات کشور را پیش ببرد.

بز رگ‌ترین ماموریت در یایی چگونه انجام شد؟

ناوگان صمود؛ نقطه عطف در تاریخ علیه محاصره غزه

منجر به پوشش گسترده رسانه‌ای شد. حتی حملات یپهادی رژیم صهیونیستی به برخی از کشتی‌های این کاروان در ساحل تونس نتوانست، مانع از حرکت آن به سمت غزه شود.

چه کسانی راهی غزه شدند؟

ناوگان صمود میزبان بیش از ۵۰۰ فعال، متخصص و داوطلب از سراسر جهان بود، که شامل پزشکان، هنرمندان، وکلا، دریانوردان و فعالان حقوق بشر می‌شدند. این افراد بدون وابستگی به دولت یا حزب سیاسی، بر اساس باور به «کرامت انسانی» و اقدام غیرخوشنوت‌آمیز گرد هم آمده بودند. هیأت‌ها از ۴۴ کشور، از جمله استرالیا، برزیل، آفریقای جنوبی، و کشورهای اروپایی، شرکت داشتند.

افراد و گروه‌های برجسته این کاروان شامل:

گرتا تونبرگ: فعال محیط زیست سوئدی که به عنوان یکی از چهره‌های کلیدی، نماد جوانی و تعهد جهانی به عدالت بود.

ریم الحسن: عضو پارلمان اروپا و فعال حقوق‌بشری فلسطینی-فرانسوی.

کمیته راهبری: شامل «اسامین اچا» فعال حقوق بشر، «تیاگو آویلا» فعال محیط زیستی، «ملانی شوایزر» وکیل و دانشمند سیاسی و فعالان فلسطینی مانند «سیف ابوشک» و «محمد نادر التوری» بودند.

علاوه بر این، سیاستمداران ایتالیایی، وکلا و نمایندگان پارلمان اروپا نیز حضور داشتند.

یک چهره خاص

گرتا تونبرگ فعال محیط زیست سوئدی که با جنبش «جمعه‌ها برای آینده» به شهرت رسید، در سال‌های اخیر حمایت صریح و مداومی از فلسطین نشان داده است. تونبرگ در آغازین روزهای جنگ نسل‌کشی رژیم صهیونیستی علیه غزه، در پیام‌هایی در ایکس نوشت: «جهان باید فوراً خواستار آتش‌بس، عدالت و آزادی برای فلسطینی‌ها و همه غیرنظامیان آسیب‌دیده‌شود.»

تونبرگ بارها تأکید کرده که «عدالت اقلیمی بدون حقوق‌بشر ممکن نیست». تونبرگ پیش از بازداشت توسط نظامیان رژیم صهیونیستی، در تونس مورد استقبال هزاران نفر قرار گرفت و گفت: «این هبستگی در دل مردمان سراسر جهان است.»